روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۷۹۳ ■ دوشنبه ۵ تیر ۱۳۸۵ ■ ۲۹ جمادی الاول ۱۴۲۷ ■ ۲۶ ژوئن ۲۰۰۶

۳۲ صفحه ■ به همراه ۱۶ صفحه نیازمندی های شرق ویژه استان تهران ■ ۱۵۰ تومان

معرفی متفکران سیاسی در صفحه علوم سیاسی

آیزایا برلین اگرچه به مانند پوپر تماشای تلویزیون را برای خود تحریم نکرده است اما از نمایش خشونت در تلویزیون همچون پوپر بیزار بود و به محض آنکه خشونت شروع می شد چشم هایش را می بست. بوکس را نمی توانست نگاه کند و حد قابل تحمل برای او ورزش شمشیربازی بود. همه چیز نیز به کودکی این متفکر انگلیسی برمی گردد، وقتی او یک کودک روسی بود: «چشمم به یک جمع ۲۰ ، ۳۰ نفره افتاد که داشتند چیزی را در دهان مردی که رنگش کبود شده بود و . . .

صفحه ۶

آرامش در حضور دیگران

گفت وگو با عوامل سریال «اولین شب آرامش»

در کشاکشی که دغدغه دلسردی از مجموعه های تلویزیونی خاطر این ابررسانه را مغشوش کرده، «اولین شب آرامش» به روی آنتن می رود تا شاید بتواند آرامشی نسبی نه برای یک شب بلکه بیست و چند شنبه متوالی به مخاطبین هدیه کند. «اولین شب آرامش» با ژانری جنایی/ معمایی (ژانری که به رغم جذابیت فوق العاده معمولاً کمتر کارگردان ایرانی ریسک پرداختن به آن را می پذیرد) داستان انسان های متعارفی است که دستخوش نامتعارف ترین حوادث می شوند. . .

صفحه ۱۵

در گفت وگوی شرق با جانشین قرارگاه سازندگی بررسی شد

حضور سپاه در قراردادهای اقتصادی

گروه اقتصادی، رضا زندی: هم سردار سرتیپ پاسدار است هم فارغ التحصیل دوره اکتشاف نفت. در حالی که فرمانده کل سپاه پاسداران ریاست قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا را برعهده دارد او جانشین رحیم صفوی و اداره کننده قرارگاه است. مرکزی که پس از جنگ برای حضور سپاه در فعالیت های سازندگی ایجاد شد. عبدالرضا عابد با گرمای رفتار جنوبی اش پذیرای شرق می شود. بهانه گفت وگو امضای قراردادهای اخیر قرارگاه سازندگی سپاه با وزارت نفت است. از خط لوله سراسری هفتم گرفته تا حضور سپاه در عسلویه و امضای قرارداد بیش از ۲ میلیارد دلاری توسعه فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی. گرچه قرار بود این قرارداد دیشب در مهمانسرای نفت امضا شود که نشد. قرار است حدادعادل این هفته به عسلویه برود و کلنگ احداث این فازها را به زمین بزند و تشریفات قرارداد هم همان جا اجرا شود. به ساختمان قرارگاه سازندگی در شهرک غرب که وارد می شوم توافق می کنیم همه آنچه را که درباره فعالیت های اقتصادی - صنعتی سپاه مطرح می شود به صراحت بپرسم، بی ذره ای ملاحظه.

■■■

■ جناب سردار! به عنوان سئوال ابتدایی مایلم از سابقه شما شروع کنم. از چه زمانی وارد فعالیت های صنعتی و اقتصادی شدید؟ چه سابقه اجرایی و علمی در این حوزه دارید؟

حدود سال ۱۳۵۲. بنده بورسیه بودم. به انتهای دوران تحصیلی ام رسیده بودم که با پیروزی انقلاب به ایران بازگشتم. رشته تحصیلی ام هم اکتشاف نفت بود. بعد از پیروزی انقلاب و همزمان با شورای فعالیت های جهاد سازندگی برای تشکیل شورای جهادها به کردستان رفتم. ۱/۵ سال بعد همزمان در جهاد سازندگی فعالیتم در سپاه پاسداران را هم آغاز کردم.

■ یعنی در چه سالی؟

حدود سال ۵۹ وارد سپاه شدم. بعد از شروع جنگ تحمیلی هم کاملاً از جهاد جدا شدم و به سازماندهی یگان پرداختم. مدتی فرمانده یگان شدم. بعد هم فرماندهی گردانی را به عهده گرفتم و سپس در قالب گردان های مشترک ژاندارمری، ارتش و سپاه در زمینه پاکسازی مشغول فعالیت شدم. در زمان جنگ در جبهه های غرب، شمال غرب و جنوب انجام وظیفه کردم تا انتهای جنگ. پس از اتمام جنگ هم مسئول دو مجموعه مهندسی شدم و فعالیت های سازندگی را از ساخت اتوبان تهران- ساوه شروع کردم. سپس به قرارگاه کربلا و بعد هم به قرارگاه خاتم الانبیا آمدم.

■ شما چندمین مسئول قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا هستید؟

از زمان تاسیس قرارگاه حضور داشتم اما در اصل پنجمین مسئول قرارگاه هستم. بعد از قرارگاه کربلا در سال ۱۳۸۴ مسئول قرارگاه خاتم الانبیا(ص) شدم.

■ قرارگاه خاتم الانبیا از چه سالی تاسیس شد؟

از سال ۱۳۶۸.

■ سئوالی که وجود دارد این است که اساساً چه لزومی دارد یک نهاد نظامی مانند سپاه پاسداران فعالیت اقتصادی و صنعتی انجام دهد؟ چرا باید وارد کار پیمانکاری شود؟ واقعاً چه لزومی دارد؟

اصل ۱۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی می گوید که دولت موظف به استفاده از توان نیروهای مسلح در زمان غیرجنگ جهت مشارکت در بازسازی و سازندگی کشور است. براساس این تکلیف قانون اساسی و با توجه به ظرفیتی که پس از پایان جنگ تحمیلی در سپاه وجود داشت، سپاه پاسداران وارد فعالیت سازندگی شد. بخش زیادی از توان مهندسی هم در سازمان سپاه شکل گرفته بود. با این اوصاف امروز تنها حدود ۳۰ درصد از توان مهندسی سپاه در فعالیت های سازندگی است. ۷۰ درصد در ماموریت های نظامی برای دفاع مشغولند.

■ این همه تشکیلات سپاه که وارد پروژه های اقتصادی و صنعتی شده است واقعاً ۳۰ درصد توان سپاه است؟

بله همین طور است. البته ما براساس منشور سازندگی مان در عین حالی که ماشین آلات مان را بازسازی کردیم، اضافه هم کردیم. چون ماشین آلات مان در امر سازندگی تکمیل نبود. بعضی ها بود اما برخی ماشین آلات هم نبود. مثلاً ما غلتک و لودر و . . . داشتیم اما کارخانه تولید مصالح و ماسه شور و سنگ شکن و . . . نداشتیم. اینها را اضافه کردیم تا اکیپ راه سازی مان تکمیل شود. ماشین آلات و تجهیزات دیگرمان را هم اینچنین افزایش دادیم.

■ یعنی در زمان غیرجنگ نمی توان از این توانمندی ها در همان حوزه فعالیت نظامی استفاده و آن را تقویت کرد؟

خیر. آن وقت باید ماشین آلات بدون استفاده بماند و از عمر مفیدشان کاسته شود.

■ این سئوال پیش می آید که چرا براساس همان اصل ۱۴۷ که شما فرمودید نیروی نظامی مثل ارتش وارد فعالیت های صنعتی و اقتصادی نشده است؟

ارتش هم اوایل وارد این فعالیت ها شده بود. ولی سازمان ارتش مثل سازمان سپاه نیست که نیروهای بسیجی داشته باشد و سروکارش با توده های مردم باشد. نیروهای سپاه متنوع است. چرا که نیروهای مختلف به هنگام دفاع از کشور جذب بسیج و سپاه شدند. من خودم هم تا سال ۶۴ بسیجی بودم. بعد ازدواج کردیم و بچه دار شدیم. دیدیم باید سابقه ای داشته باشیم. امثال من هم زیادند. اینهایی که رفتند و شهید شدند هر کدامشان استاد و دکتر و مهندس بودند. معلم و کاسب بودند. اما به دلیل وظیفه ذاتی و دینی و انسانی شان آمدند در سپاه و ماندند. می خواهم بگویم در سازمان سپاه تنوع نیروی انسانی وجود داشت و بعد از اتمام جنگ نمی شد این نیروها را همین طور نگه داشت. آنها حتماً باید جایی خدمت می کردند.

■ پاسخم را درباره علت عدم حضور ارتش در فعالیت های اقتصادی به مانند سپاه ندادید؟

ماموریت ارتش با سپاه متفاوت است. ماموریت ارتش حفظ آمادگی رزم و محافظت از مرزها است. سپاه علاوه بر آمادگی رزم حفظ کل آرمان انقلاب را هم در ماموریتش دارد. هر جا انقلاب تهدید شد سپاه باید وارد شود.

■ اعم از فرهنگی، اقتصادی، صنعتی و . . . ؟

در اموری که براساس اقتضای مملکت فرماندهی محترم کل قوا تشخیص دهند وارد می شود.

■ کسانی که به فعالیت های اقتصادی- پیمانکاری سپاه ایراد می گیرند، می گویند ان شاءالله این کشور دیگر هیچ وقت روی جنگ نبیند. اما اگر روزگاری پیش آمد که دوباره باید برای دفاع از کشور همه توان نظامی بسیج شود آیا این پروژه هایی که سپاه قبول می کند اولاً دست و پا گیر انجام وظیفه نخواهد شد و ثانیاً آیا خود پروژه ها دچار مشکل اجرا نمی شوند. بالاخره این پروژه هایی که اخیراً قبول کرده اید طولانی مدت و با هزینه های گزاف است. آیا ماموریت های شما در دوران دفاع پروژه های ملی را تحت الشعاع قرار نخواهد داد؟

خیر.

■ دستگاه مسئولی که به عنوان کارفرما پروژه را به شما واگذار می کند چطور می تواند این اطمینان را داشته باشد؟

اگر خدای ناکرده اتفاقی بیفتد برای کل نظام اتفاق می افتد نه فقط برای یک بخش خاص. اگر جایی تهدید شود، تهدید برای کل نظام است. در یک گوشه که نیست. بنابراین همه دولت را شامل می شود. همین طور که در زمان جنگ تحمیلی بود. تمام وزارتخانه ها سازماندهی شدند و به دفاع از کیان جمهوری اسلامی پرداختند. بنابراین موضوعی که می فرمایید شامل همه است.

■ نه منظور من این بود که مثلاً اگر یک بخش خصوصی مسئول اجرای خط لوله ایرانشهر- عسلویه باشد وزارت نفت در زمان دفاع می تواند به او بگوید تو کارت را انجام بده، کاری به جنگ نداشته باش. چون بخشی از منافع کشور هم در آن پروژه نهفته است. اما این مسئله را به شما نمی تواند بگوید. به هر حال ماموریت اصلی شما نظامی است.

ما برای این مسائل پیش بینی کرده ایم. تنها ۳۰ درصد از توان سپاه در پروژه های صنعتی و اقتصادی حضور دارد. بنابراین هیچ تهدیدی متوجه آمادگی رزمی و ماموریت های نظامی سپاه نیست. با آن ۷۰ درصد به راحتی می توانیم از عهده ماموریت های دفاعی برآییم.

■ یعنی در شرایط سخت دفاعی، پروژه های اقتصادی- صنعتی سپاه همچنان ادامه می یابد؟

بله، اصلاً مشکلی نداریم. البته ممکن است یک درصدی مثل همه مملکت در دوران دفاع زیر فشار قرار گیرد. ما می توانیم با برنامه ریزی و زمان بندی توان مورد نیاز انجام پروژه ها را آزاد کنیم. الان انجام خیلی از پروژه ها توان زیادی نمی خواهد ولی ما مجبوریم ماشین آلات مان را آماده نگاه داریم.

ادامه در صفحه ۱۱

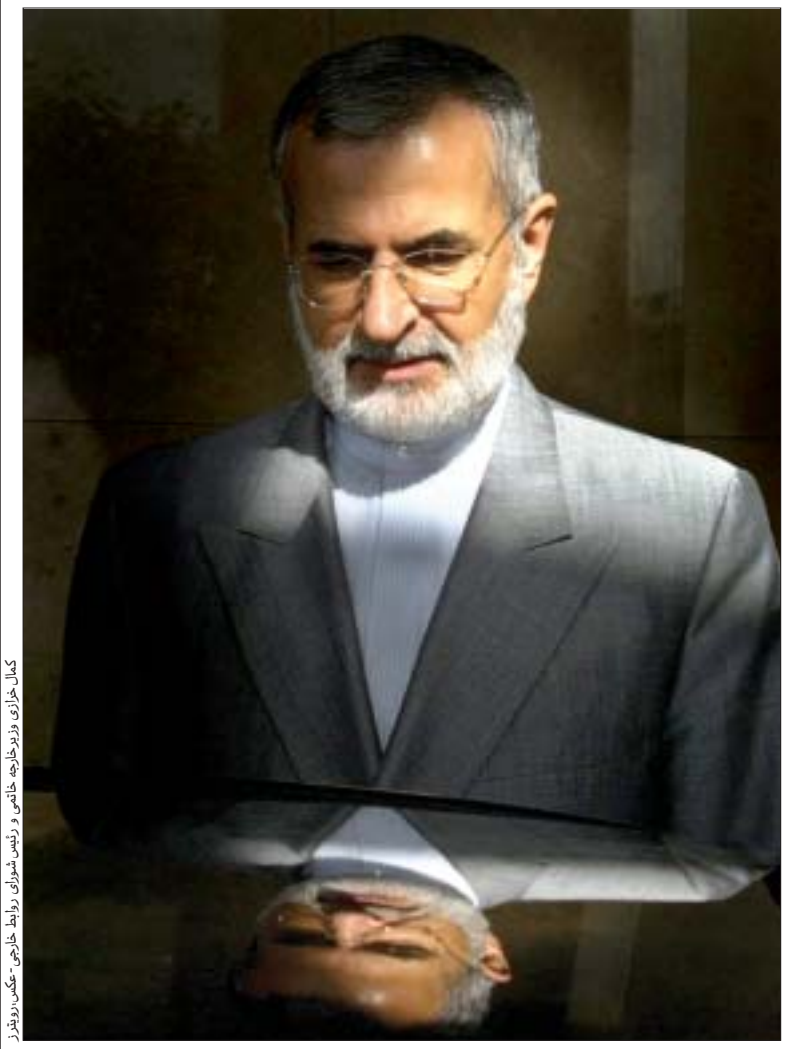

کمال خرازی وزیرخارجه خاتمی و رئیس شورای روابط خارجی- عکس: رویترز

با حکم رهبری و به ریاست خرازی صورت گرفت

تاسیس شورای روابط خارجی ایران

گروه سیاسی، اکبر منتجبی: مقام معظم رهبری، در حکمی دکتر کمال خرازی را به ریاست شورای راهبردی روابط خارجی منصوب کردند. در حکم ایشان که خطاب به دکتر خرازی صادر شده، آمده است: «لازم است برای کمک به تصمیم گیری های کلان و جست وجو از افق های نو در روابط خارجی جمهوری اسلامی و بهره مندی از نظرات نخبگان در این عرصه، شورای راهبردی روابط خارجی تشکیل شود.» مقام معظم رهبری به آقای خرازی تاکید کرده اند: «شایسته است آقایان دکتر علی اکبر ولایتی، علی شمخانی، محمد شریعتمداری و محمدحسین طارمی برای مدت پنج سال اعضای آن باشند و جناب عالی به ریاست آن شورا منصوب می گردید.»

شورای راهبردی روابط خارجی پیش از این در جمهوری اسلامی ایران وجود نداشت. عموماً در وزارت خارجه و یا شورای عالی امنیت ملی، شوراهایی وجود دارند که نقش هایی را در خصوص روابط بین الملل ایفا می کنند. حتی در اتخاذ سیاست های کلان نظام نیز گاه مجمع تشخیص مصلحت وارد می شد و در یک ترکیب انتخابی و موقت، برخی تصمیم گیری ها صورت می گرفت. به همین دلیل ضرورت تشکیل این شورا همیشه وجود داشت. با این حال از اواخر دولت سیدمحمد خاتمی که موضوع هسته ای به بحث اول سیاست خارجی ایران تبدیل شد، شورای عالی امنیت ملی نیز نقش اصلی را در هدایت آن برعهده گرفت و بنا بر خواست مقام معظم رهبری و رئیس جمهور سیدمحمد خاتمی دبیر آن شورا (حسن روحانی) عهده دار پرونده هسته ای ایران شد. در واقع الگویی که سیدمحمد خاتمی برای نقش آفرینی شورای عالی امنیت ملی در نظر گرفته بود، بی شباهت به شورای امنیت ملی آمریکا نبود. آنجا که کاندولیزا رایس به عنوان مشاور ارشد رئیس جمهور درخصوص سیاست های کلان آمریکا تصمیم گیری و تصمیم سازی می کرد. اما در ایران اغلب وظایف شورای عالی امنیت ملی، رفته رفته بر موضوع هسته ای متمرکز شد. به گونه ای که خلاء یک شورای راهبردی نیز احساس می شد. گرچه شورای عالی امنیت توانسته بود از نیروهای ممکن استفاده بکند اما نیاز به یک شورای راهبردی در روابط خارجی که بتواند کمک به تصمیم گیری های کلان کند همیشه وجود داشت. دکتر کمال خرازی که توسط مقام معظم رهبری برای ریاست این شورا برگزیده شده، پیش از این هشت سال در دوره اصلاحات وزیر خارجه ایران بود. او که دانش آموخته علوم تربیتی است، چند سالی مدیر عامل خبرگزاری جمهوری اسلامی بود و پس از آن نماینده ایران در سازمان ملل شد. خرازی دیپلمات شناخته شده ای برای مقامات اروپایی و آمریکایی است. او توانست در دوران هشت ساله تنش زدایی ایران با بیشترین همتایان خود دیدار کند و سطح روابط ایران با برخی کشورها را ارتقا دهد. دکتر علی اکبر ولایتی مشاور عالی مقام معظم رهبری در سیاست خارجی است. او نیز نزدیک به ۱۶ سال تصدی وزارت خارجه را بر عهده داشت و در دوران جنگ نماینده اصلی ایران در صحنه بین الملل بود. ولایتی در دو دوره حتی در قامت کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری از سوی جناح میانه رو نیز ظاهر شد. در سال ۷۵ تصمیم بر آن داشت که کاندیدای تصدی این سمت شود اما با ورود علی اکبر ناطق نوری رئیس مجلس پنجم از کاندیداتوری انصراف داد.

نکته

اکثریت اعضای این شورا وزرای دولت های هاشمی و خاتمی هستند

ادامه در صفحه ۳۱

تیترها

پیام نخست وزیر ترکیه به ایران رسید

صفحه ۲

بازی های امروز	
مرحله یک هشتم نهایی	
ایتالیا - استرالیا	ساعت ۱۸/۳۰
سوئیس - اوکراین	ساعت ۲۲/۳۰

انگلیس یک- اکوادور صفر

بکام «انگلیس متوسط» را نجات داد

گروه ورزش، وصال روحانی: سومین بازی از مرحله یک هشتم نهایی جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ غروب روز گذشته بین دو تیم انگلیس و اکوادور در شهر اشتوتگارت آلمان و به داوری فرانک دوبلیکر بلژیکی برگزار و به پیروزی صفر- ۱ انگلیس و صعود این تیم به مرحله یک چهارم نهایی منجر شد و اکوادور نیز به جمع حذف شده های پرشمار جام هجدهم پیوست. اسون گوران اریکسون مربی سوئدی تیم ملی انگلیس در قیاس با بازی قبلی تیمش تغییراتی را در ترکیب انگلیس صورت داده بود. او تیمش را با یک «تک مهاجم» (وین رونی) و با شیوه ۱-۵-۴ راهی میدان کرده و در پست مدافع راست نفوذی جیمی کاراگر که خود در بازی با سوئد جای گری نویل مصدوم را گرفته بود، کنار گذاشته و اوون هارگریوز را جانشین مدافع لیورپول ساخته بود. در سیستم دیروز اریکسون، استیون جرارد هافبکی بود که باید به رونی می چسبید و از او حمایت می کرد و بدل به مهاجم دوم (و کاذب) تیم می شد و سایر هافبک های تیم بیشتر باید به اداره میانه میدان می پرداختند و این شامل جرارد، لمپارد و بکام نیز می شد و مایکل کاریک هم به عنوان هافبک وسط دفاعی به ترکیب تیم اریکسون اضافه شده بود تا انگلیس همیشه یک مهره آماده را برای تقابل با بازیکن پا به توپ حریف در اختیار داشته باشد. در آن سوی میدان لوئیس فرناندو سوارز مربی اکوادور تیمش را با همان نفرات همیشگی اما با رنگ و آهنگی مثبت و با توفیقی قابل قبول به میدان فرستاده بود. شاگردان وی در مرحله اول لهستان را صفر- ۲ و کاستاریکا را صفر- ۳ برده بودند و بازی با آلمان را نیز بیشتر بدان خاطر صفر- ۳ به حریف واگذار کردند که انگیزه ای نداشتند و به چند یار اصلی خود استراحت داده بودند. وقتی انگلیس در شروع مسابقه سست و کند نشان داد، اکوادور جری تر و پرانگیزه تر شد و در یک نیمه آرام و کم حادثه بهترین فرصت گل را در دقیقه ۱۳ آفرید و بسیار حسرت خورد که چرا آن را از دست داده است. در این لحظه روی یک توپ در عمق خط دفاع انگلیس جان تری مدافع معمولاً کم اشتباه انگلیس مرتکب اشتباه شد و توپ از روی سرش عبور کرد و پشت سر وی نصیب کارلوس تنوریو هافبک تهاجمی تنومند اکوادور شد و درحالی که تنوریو بود و پل رابینسون دروازه بان انگلیس ضربه این بازیکن قدرتی به تیر افقی دروازه انگلیس خورد و به اوت رفت و آه از نهاد هواداران تیم اکوادور برآمد. از آن دقیقه به بعد حادثه ای دیگر به این بزرگی شکل نگرفت و دو تیم به رغم تلاش و انجام حملاتی به روی دروازه یکدیگر هرگز قاطعیت و سرعت لازم را برای گشودن دروازه طرف مقابل بروز ندادند و آنچه بیشتر به چشم خورد کارت های زردی بود که دوبلیکر به جان تری از انگلیس و والنسیا و تنوریو از اکوادور داد. با این حال از حق نباید گذشت که اکوادور بر پایه حرکات محکم و حساب شده دلاکروز، کاستی یو، ادیسون مندز و هورتادو و البته با استقرار آگوستین دلگادو در قلب خط دفاعی انگلیس (آنجا که یک بار دیگر لرزان نشان می داد) توانست قدری بهتر از حریف خود جلوه و تیمی را خنثی کند که در محاسبات قبل از بازی بسیار برتر از اکوادور توصیف و تلقی شده بود و حتی جزء شانس داران مسلم قهرمانی نیز به حساب آمده است. شاید مشکل انگلیس در این نیمه تعدد هافبک های مشابه در ترکیب این تیم بود زیرا آنها وظایفی تقریباً یکسان را برعهده داشتند و نبود پیتر کراوچ مهاجم ۲ متری لیورپول در میدان نیز سبب شده بود انگلیس یکی از معدود سلاح های تهاجمی اش را دراختیار نداشته باشد و از ارسال توپ های بلند به قصد وی موقتاً دل بشوید.

ادامه در صفحه آخر

سرمقاله

نشانگان شکست

ناصر فکوهی

رویای پرهیاهوی نور و تصویر؛ رویای خیابان های آکنده، خودروهای پرسروصدا و جوانان پرنشاط و شادانی که کوچه ها و پیاده روهای شهرهای بزرگ را آکنده اند. رویای موسیقی طنین انداز و خنده هایی که بر صورت هایی باز و زیبا می شکفند و مردمانی که مغرور از پیروزی خود، به قهرمانان شان، به نمایش بزرگ انسجام و پیشرفت و هماهنگی ورزشکاران شان افتخار می کنند. رویای ما که خود را، نه تنها برابر، که برتر و توانمندتر از بزرگان ورزش جهان می بینیم. رویای ما که تصور می کنیم پیروزی ها و کامشادی ها تنها به اراده و خواست قدرتمند ما بستگی دارد: کافی است باور داشته باشیم و اراده کنیم تا تمام درها به روی مان باز شود و سال ها تجربه و انباشت میلیون ها ساعت تمرین، ازخودگذشتگی و هماهنگی میان دیگرانی که به رزمشان رفته ایم را دود کنیم و به آسمان بفرستیم تا خود را بر بالاترین سکوها ببینیم و از این همه نیکبختی بر خود ببالیم: اما، رویایی که ناتوان از گذار از مرزهای خواب و خیال، بیداری نابهنگام و تلخکامی را به همراه دارد.

مقصر کیست؟ چه کسی را باید هدف قرار دهیم و خشم خود را بر سر او فرونشانیم؟ این بار «بز قربانی» را چگونه بیابیم؟ کجا و چگونه این عطش حاصل از ناکامی و سرخوردگی را فرونشانیم؟ مشت نومیدی را بر کدامین سندان بکوبیم و آتش خشم را با کدامین آب خاموش کنیم؟ آیا باز هم باید انگشت اتهام را به سوی «مسئولان» با تمام ابهام و تمام «بی معنایی» که در این واژه کشدار نهفته است، نشانه بگیریم؟ آیا دیگر نمی خواهیم به استقبال قهرمانان مان برویم؟ آیا «قهرمانی» آنها در مرزهای توهم ما متوقف شده و از نفس افتاده است؟ . . . مقصر کیست؟

جایی هست که شاید این مقصر ناشناخته را بهتر از هر مکان دیگری بتوان یافت. جایی که نه در قهرمانان خودساخته مان می توان یافتش، نه در توهمات اثیری و سستمان؛ جایی بسیار نزدیک تر از همه جاهایی که می توانیم تصور کنیم: جایی همچون در یک آینه.

قهرمان پروری ما، خودخواهی های فردگرایانه و نه فردیت یافته ما، تفکر کلیشه ای ما در نوسانی دائم از خودبزرگ بینی افراطی به خودکوچک بینی افراطی، ساده اندیشی ما به داشتن «ذاتی برتر» که همواره معجزه را در جانبمان نگه می دارد، همچون خودباختگی ما در برابر قدرت و عظمت دیگری، همه و همه تصاویری تودرتو و بازتابنده از یک ناتوانی مزمن و یک بیماری کشنده اند که نشانگان (سندرم های) آن را نه فقط در ورزش که امروز بازار آن داغ است، بلکه در همه عرصه های دیگر زندگی مان می توان به روشنی بازیافت: ناتوانی و ضعف ما در کار جمعی، به هماهنگی و تعامل با یکدیگر، به گشاده نظری و طبع بلند؛ ناتوانی ما به گریز از تنگ نظری و حسادت، این بیماری سخت که ما را تنها زمانی که یک تنه به میدان می رویم (باز هم نگاه کنیم به ورزش) به موفقیت هایی نسبی (اما مخرب برای سایر جنبه های زندگی مان) می رساند، و هر بار به اجبار وادار می شویم به صورت جمعی، با همدلی و همگامی و احترام به دیگری و شادمان شدن از پیروزی دیگری به اندازه پیروزی خود، به پیش برویم، ما را با ناکامی ها روبه رو می کند. ما چه حقی داریم بر ورزشکاران مان بتازیم، زمانی که هر کدام مان از دانشگاهی و روشنفکر گرفته تا کارگر و کارمند و حتی رهگذران و مسافران خیابانی، با بیرحمی از هماهنگی با یکدیگر سر باز می زنیم و «به یکدیگر راه نمی دهیم» ولو به قیمت نابودی دیگری؟ ما چه حقی داریم بر ناکامی برنامه های جمعی مان بر عرصه های بزرگ بین المللی (همچون عرصه ورزش) بتازیم؟ زمانی که خود، قادر نیستیم چشم اندازهای مان را فراتر از بینی خود به پیش رانیم و موفقیت مان را همواره در شکست رقیبان مان می بینیم؟ هر روز شاهد آنیم که چطور هر کدام از ما، به رغم تمام ادعاها و سخنوری های مان، بیشتر از آنکه برای «خیر جمعی» تلاش کند، برای «سود فردی» به پیش می تازد و در این پیشتازی آخرین دغدغه اش نیز آن نیست که چه ضرباتی بر وجدان عمومی، بر سرنوشت عام و بر آینده دیگران و حتی بر آینده خود خواهد زد؟

ادامه در صفحه ۲

فراخوان پژوهشی

رجوع به صفحه داخلی

روزنامه شرق انتخاب اول

همه روزه همراه روزنامه در استان تهران (از کرج تا فیروزکوه)

از روزنامه فروشی ها بخواهید

پیشگیری از مصرف مواد مخدر از خانواده آغاز می شود.

دفتر آموزش و فرهنگ پیشگیری از آسیبهای اجتماعی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۲۲۰۱۴۰۱۰

روزنامه شرق نیازمندیهای

انتخاب اول